

بسم الله الرحمن الرحيم

فایل شماره 14 به سوی ظهور موضوع: تاثیر تقوا در ترک گناه

- در قنوت عید فطر چه میگویید؟ در انسانها اگر کسی پول و مقامی پیدا کند اگر اهل تقوا باشد که استثناست اما اگر اهل تقوا نباشد دیگر کسی رو تحویل نمیگیره. اما این خدا کیه؟ اهل کبریا هست
اما اهل عفو و رحمة هم هست. (4:05)

- علی ع در بازگشت از صفین در قبرستان ایستادند و فرمودند: ای ساکنان دیار وحشت، زنهاتان شوهر کردند در منازلتان یه عده ساکن شدند اما التان تقسیم شد. این خبر نزد ماست. خبر نزد شما چیه؟ رو کرد به اصحاب و گفت به خدا اگر اذن حرف زدن داشتند میگفتند بهترین توشه تقواست. (5:26)

- اصلا غیر از متقی از چیزی بهره مند نیست. هدایت میخواد "هدی للمتقین" (2 سوره بقره). ظرایف قرآن مخصوص متقین است. عاقبت به خیری برای متقین است. "والعاقبه للمتقین" (128 اعراف). بهشت میخوای "وازلت الجنة للمتقین" (90 شعرا). اصلا هر چه میخوای در تقواست. (6:19)

- کسیکه میخواد اهل تقوا باشد باید ریشه گناهان را پیدا کند. خدا وعده داده اگر به این فکر باشد که ریشه یابی کند خودش را اصلاح کند خدا حتما دستش رو میگیره. وعده خدا خلف نداره بهش مرحمت میکنه. (11:47)

- بعضیها تقوای مالی دارند در مال مواظبند و سعی میکنند حرام نخورند. بعضی تقوای لسانی دارند. بعضیها عفت دارند و هرزه نیستند تا چشم چرانی کنند. این چشم چرانی میدانید چقدر آدم رو عقب میندازه. مخصوصا اگر منزل کسی میره آدم نان و نمک میخوره دیگه اونجا چشم چرانی کردن خیلی ظلمت میاره. روایت داریم حضرت داوود ع مامور شد بهش گفته شد لقمان رو دعوت کن... لقمان آمد و گفت داوود چهار چیز یادت میدهم که اگه بتونی اینهارو درخودت پیاده کنی علم اولین و آخرین در قلبت وارد میشه.. یکی اینست: در منزل دیگری بودی از چشمت محافظت کن. انواع تقواها رو باید داشته باشیم... کثیری تقوای لسانی رو از دست دادند. (12:45)

- در قرآن میفرماید "التقوا الله و یعلمکم الله" (282 بقره). اخبار و احادیث نشان میدهند اگر کسی ریشه یابی گناهان را بکند و اهل تقوا بشود به جایی میرسد که پروردگارش دستش رو میگیره و نسبت به استعداد خود بعضی حقایق رو میبینه. (15:40)

- در آیه إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (201 اعراف) دو تفسیر از کلمه "طائف" وجود دارد یکی به معنی شیطان است یعنی شیاطین طواف میکنند بالا و پایین میروند

اما من و شما نمیبینیم." انه یراکم هو وقبيله من حیث لاترونهم" (27 اعراف). اینها شمارو میبینند ولی شما اونها و نمیبینید. اما برخی "طائف" رو وسوسه تفسیر کردند. بلاخره موجی به سمت انسان میاید. این مهم است که انسان به جایی برسد که این موج شیطان برسد بفهمد که از شیطان است. (20:40)

-یه جاهایی مطلب واضح است مثلا خدایی نکرده تو میبینی داری وسوسه میشی به یک عمل زشتی... مثلا خدای نکرده شراب بخورم. این که مشخص است وسوسه شیطان است. اما یه وقتی هست که یه چیزی به من رسیده نمیدونم از شیطان یا رحمن. اینجا هم تقوا دستمو میگیره. (23:32)

-حکایت: یک وقت یه نفر به دام یک مرتاض غیر اهل بیته افتاد... اینها که از مسیر غیر اهل بیت میروند چیزی به دست میاورند منتها چه فایده دار دیه لقمه حلوا میدهند صدها سیلی به آدم میزنند. از طریق غیر اهل بیت یه چیزهایی به آدم میرسه پشت سرش هم گناه، پشیمانی، نکبت میگیرند. اما اگر اهل بیت یه بشقاب غذا بدهند در ضمن اون به آدم فهم و شعور هم میدهند شرح صدم عطا میکنند بلا هم دفع میشه اولاد هم صالح میشه. بلاخره این فرد در دام یک مرتاض غیر اهل بیته افتاد. مرتاض گفت شبهی ظاهر میشود هر چیزی گفت اطاعت کن. آدم ندیده این چیزها برایش مهم است. شب شبه آمدبش گفت فردا نهار دیر بخور گفت چشم. آخر شیطان تدریجا شروع میکنه دید دستورها تدریجا مشکل میشه یه شب دید شبهه او را از خواب بیدار کرد گفت بلندشو اذان بگو. گفت: اذان کی؟ دو ساعت مانده به صبح. شبهه گفت: مگر قرار نبود از من اطاعت کنی؟ او هم اذان گفت. چراغها روشن شد درها باز شد یه عده آمدند گفتند: دیوانه ای؟ شبهه درگوشش گفت: وحشت نکن الان عیبهای اینها رو فاش میکنم بهشون بگو. به اون کت آبی بگو چرا دیشب زنت رو کتک زدی. به اون کت سرمه ای بگو چرا دیشب دزدی کردی؟ اینها فکر کردند طرف از اولیاست عذرخواهی کردند و رفتند. این شخص شاخص شد همه به او احترام میگذاشتند. فرداشبه آمد ساختمان بزرگی را به او نشان دادو گفت خودت را پایین بنداز. به اینجا که رسید فهمید شیطان از برکت عالمی که با او محشور بود او به این شخص گفته بود هر کس دستور معصیت بدهد شیطان است. یک جلسه مجالست با عالم ربانی ممکن آدم رو نجات بده. شخص به شبهه گفت از تو اطاعت نمیکنم شبهه محو شد. (24:49)

- حربن یزید ریاحی بدنش میلرزید یکی گفت چرا بدنت میلرزه؟ گفت بین بهشت و جهنم هستم. دیدند داره میگه: خدایا من دوستان تو را اذیت کردم. مراببخش توبه کردم. او متذکر اشتباهش شد.